

بایسته های قرائت قرآن با بررسی معنایی واژه «قرأ»

عبدالمجید طالب تاش^۱

چکیده

فرمان «قرأ» در آغاز نزول وحی، نخستین دستورالعمل هدفمندی است که رویکرد اصلی دعوت پیامبر اسلام (ص) را مشخص می کند. از این رو ایشان در قرائت و حفظ قرآن کوشید و به اقراء بر ایمان آورندگان اهتمام می ورزید. پیامبر(ص) در تعلیم آیات و سوره ای اصحاب، بیشتر بر تعلیم شفاها و آموزش سمعی تأکید داشت؛ ایشان آیات را پس از نزول برای اصحاب قرائت می کرد و آن ها را به خواندن، بازخوانی و حفظ و ادار می نمود و عده ای را برای تعلیم قرآن به اطراف می فرستاد. این رویکرد سبب شده است از همان ادوار نخستین عده ای به عنوان قاری شناخته شوند و سلسله قراء قرآن، قرن به قرن ادامه یابد. در این نوشتار با بررسی لایه های مختلف معنایی «قرأ»، فرایند اهتمام پیامبر اسلام به قرائت قرآن و چگونگی قرائت ایشان را باز شناسی شده و از این مسیر بایسته هایی برای قرائت قرآن مشخص شده است. در این بررسی روشن می گردد که محور تعلیم قرآن، قرائت با گستره معنایی آن است. خواندن همراه با تأثیری، نخستین لایه معنایی قرائت است؛ و لایه های دیگر شامل مطالعه، تدبیر، تعمق، فهم، آگاهی، تأثیر پذیری و عمل به آیات قرآن است که در قرائت پیامبر اسلام مشهود بود و تأسی از آن برای مسلمانان لازم است.

کلید واژه ها: قرائت، قرآن، پیامبر اسلام، معناشناسی، مسلمانان، اقراء

۱- استادیار دانشگاه آزاد اسلامی، واحد کرج

talebtash@yahoo.com

قرآن کریم به عنوان معجزه آخرین پیامبر الهی خاستگاه تحول فرهنگی و علمی در میان ایمان آورندگان و مسلمانان شد. زبان عربی، میانجی ارتباطی وحی قرآن با انسان شد که مبنای تعلیمات قرآن قرار گرفت. در تحول و تکامل فرهنگ اسلامی، زبان عربی نقشی عمده داشت تا جایی که تحصیل زبان عربی به صورت های مختلف آن، نماینده نخستین مرحله در تحول فرهنگ اسلامی شد(هولت، ۶۲). تحولی که تمدن عظیم اسلامی را به وجود آورد و قرن های متوالی هر گونه تحول علمی و فرهنگی در جوامع بشری، متأثر از دستگاه فکری این کتاب آسمانی بود(ابوزید، ۴۶). این کتاب با رویکردی تزکیه بخش و تعلیم محور(نک: البقره، ۱۵۱؛ آل عمرن، ۱۶۴؛ الجمعة، ۲)، سلامت همه جانبه انسان عصر نزول به بعد را هدف گذاری کرده و بر آن شد تا از طریق آموزه های خود، جهانی آکنده از روشنایی و سعادت برای انسان ها بسازد و آن ها از هر گونه تاریکی و جهالت دور بدارد(نک: البقره، ۲۵۷). از آنجا که دروازه ورود به آموزه ها و دستورالعمل های این متن زبانی، قرائت و مطالعه آن است، نخستین واژه ای که در هنگام بعثت پیامبر اسلام بر او فرود آمد، فرمان قرائت بود؛ تا خود آن را قرائت نماید و سپس به مردم ابلاغ کند. در قرآن هشتاد و هشت بار از واژگان مرتبط با قرائت استفاده شده است. هفتاد بار کلمه قرآن به کار رفته است که شخص و پنج مورد آن منظور مجموعه آیات نازل شده بر پیامبر اسلام است(نک: فؤاد عبدالباقي، ذیل رسیه ق رأ). از این رو کشف لایه های مختلف معنایی قرائت و آشنایی با چگونگی قرائت پیامبر اسلام می تواند زمینه استفاده مناسب از این کتاب را فراهم آورد. بی تردید فهم درست پیشینیان از نحوه قرائت قرآن، به عنوان مهم ترین راه کار بهره مند شدن از تعالیم آن، نقش بسزایی در تمدن سازی اسلامی داشته است و هم اکنون به عنوان راه کار نهایی مسلمانان برای پیشرفت مادی و معنوی ضروری می نماید. از این منظر در ساختار فرهنگ قرآن، بررسی معنای اقرأ و کشف لایه های معنایی قرائت و آشنایی با چگونگی قرائت پیامبر اسلام، امری ضروری و حائز اهمیت برای دستیابی به بايسته های قرائت قرآن است که این نوشتار در پی آن است.

خطاب آغازین وحی

در فرایند نزول وحی بر پیامبر اسلام مصلی الله عليه و آله، فرمان «إقرأ» نخستین کلام تنزیل است که فرشته وحی به ایشان ابلاغ می کند. پیامبر که پیش از این خطاب، سابقه ای از حضور در مکتب خانه ها نداشته و خواندن نمی دانست، در پی شنیدن این فرمان شگفت، با حیرت پاسخ داد: «ما انا بقاريءٍ من خواندن نتوانم». جبرئیل، فرشته وحی، سه بار او را به سختی فشد و به سوی خود جذب کرد و این پیام و پاسخ تکرار شد. آن گاه پنج آیه اول سوره علق یعنی: **بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ اقْرَا بِاسْمِ رَبِّكَ الَّذِي خَلَقَ (۱) خَلَقَ الْإِنْسَانَ مِنْ عَلَقٍ (۲) اقْرَا وَرَبُّكَ الْأَكْرَمُ (۳)** الَّذِي عَلِمَ بِالْقَلْمَنِ (۴) عَلِمَ الْإِنْسَانَ مَا لَمْ يَعْلَمْ (۵)

بر پیامبر اسلام نازل شد(نک: ابن اثیر، ۴۸ / ۲؛ یعقوبی، ۱ / ۳۷۷؛ مسعودی، ۱ / ۶۳۱؛ قرطبي، ۲۱ / ۱۱۷؛ نويری، ۱ / ۱۶۹؛ فراء، ۳ / ۲۷۸). مفسران گفته اند که امر به قرائت از نوع قرائت

تعلیمی بود؛ یعنی جبریل قرآن را بر پیامبر اقراء کرد و قرائت آن را به وی تعلیم داد(فضلی، ۲۳). پیامبر امّی که در لحظه دریافت وحی، نفس مستعدش در افق اعلی جای گرفته و تا عالم فرشتگان ارتقا یافته است(ابن خلدون، ۹۷) در آن سعه عالم ربوی فرشته وحی را مشاهده نمود که این فرمان سخت و مسؤولیت آور را با تعبیر آرامش بخش «باسم ربک» هم نشین ساخت و به او فهماند که پس از خواندن، باید مردم را از طریق اسم به سوی مسمی هدایت و رهبری نماید و از لفظ به معنا برساند و از معانی به حقیقت نزدیک گرداند(بانوی اصفهانی، ۱۵/۱۹۱). از این رو بازگشت از معراج وحیانی، ایشان را با مسؤولیتی سنگین مواجه کرد و در شرایط تازه ای قرار داد که معنایش جاری شدن در زمان است؛ با این هدف که جریان تاریخ را تحت ضبط در آورد و از این راه جهان تازه ای از کمال مطلوب ها خلق کند(اقبال لاہوری، ۱۴۳).

بنا بر این خطاب آغازین وحی حاکی از این است که مسؤولیت جدید پیامبر یعنی نبوت و رسالت، با قرائت آغاز می شود و قرائت او با اسم رب پیوند می خورد تا با گذر از اسم، مردم را به معرفت از مسمایی دعوت کند که آفرینش گر همه موجودات هستی و از جمله انسان است.

قرائت محوری وحی قرآن

از آنجا که نخستین آیه نازل شده بر پیامبر در آغاز بعثت، او را به قرائت دستور داد: «اقرأ»(العلق، ۱)؛ ایشان در قرائت و خواندن مکرر آیات، و حفظ کردن و به خاطر سپردن آن ها بسیار کوشای بود(طبرسی، ۱۰/۱۷۵)، و به رغم امّی بودن، قرآن را به خوبی حفظ می کرد. طبق روایت ابن عباس وقتی جبریل قرآن را بر پیامبر اقراء می کرد زبان ایشان به سرعت به حرکت می افتاد و به فراگیری و ضبط آن حرص می ورزید. طبق روایت مشابهی که از سعید بن جبیر رسیده پیش از این که جبریل از بیان آیات فارغ شود زبان و لب های پیامبر به حرکت می افتاد و در قرائت و خواندن قرآن شتاب می کرد تا آن را دریافت کند(طبرسی، ۱۰/۱۷۵). این آیات: «لَا تُحَرِّكْ بِهِ لِسَانَكَ تَعْجَلْ بِهِ إِنَّ عَلَيْنَا جَمَعَةً وَقَرْآنَهُ * فَإِذَا قَرَأَنَا فَأَبْيَعْ قُرْآنَهُ * ثُمَّ إِنَّ عَلَيْنَا بَيَانَهُ *» (القيمة، ۱۶/۱۹)؛ به دنبال این مسئله نازل شد تا به او اطمینان دهد که خداوند حفظ قرآن را ضمانت کرده است(قرطی، ۲۰/۱۰۶). چنان که به دنبال حرص ایشان در حفظ و به خاطر سپردن قرآن بود که آیه ۱۱۴ سوره طه نازل شد: «وَلَا تَعْجَلْ بِالْقُرْآنِ مِنْ قَبْلِ أَنْ يُفْضَى إِلَيْكَ وَحْيِهِ» در [خواندن] قرآن پیش از آنکه وحی آن بر تو پایان یابد شتاب مکن. گفته اند پیامبر از ترس فراموشی پیوسته آیات را می خواند(طبرسی، ۷/۵۲)؛ و خداوند برای زایل نمودن خوف ایشان این آیات را نازل کرد: «سُنْقُرُوكَ فَلَا تَنَسَّى» ما بزودی [آیات خود را] بر تو خواهیم خواند تا فراموش نکنی(الاعلى، ۶؛ فخر رازی، ۳۱/۱۳۰). از این رو امتیاز قرائت قرآن و حفظ آن بیش از همه به شخص رسول اکرم اختصاص یافت و ایشان نخستین قاری و حافظ قرآن به شمار می آید(صبحی صالح، ۱۰۷).

اما مسؤولیت پیامبر در باره فرمان قرائت، به خودش محدود نمی شود؛ بلکه لازم است آن را بر مردم هم اقراء کند: «وَقَرَأَنَا فِرْقَنَاهُ لِتَقْرَأَهُ عَلَى النَّاسِ عَلَى مُكْثٍ وَنَزَّلَنَاهُ تَنْزِيلًا» و قرآنی [با عظمت را] بخش بخش [بر تو] نازل کردیم تا آن را به آرامی به مردم بخوانی و آن را به تدریج نازل کردیم (الاسراء، ۱۰۶). از این رو پیامبر اصرار داشت که اصحاب قرآن را بیاموزند و آن را حفظ کنند. و اصحاب، هنگامی که آیه یا سوره ای را از پیامبر می آموختند چندین بار در محضر ایشان قرائت می کردند تا در ذهنشان ثبیت شود و آن را به خوبی حفظ نمایند. آن گاه از پیامبر می پرسیدند: آیا همان گونه که نازل شده است آن را حفظ کرده اند؟ و این سؤال را تکرار می کردند تا زمانی که از ایشان تأیید می گرفتند؛ آن گاه به نشر آن می پرداختند و به فرزندان خود و دیگران آموزش می دادند (زنجانی، ۳۸). صحابه قرآن را به طریق شفاهی از پیامبر فرا می گرفتند و در اقطار اسلامی پراکنده می شدند و به عنوان مرجع قرائت محل رجوع مسلمانان بودند (کمالی، ۱۶۵). هم چنین پیامبر برای ترویج و گسترش تعلیم قرآن در مناطق مختلف، معلمان قرآن را گسیل می کرد تا با همان شیوه سمعی یعنی قرائت و استماع، شاگردان بسیاری را تربیت کنند و قرآن را با چهره خواندنی و شنیدنی اش برای مردم مأнос گردانند (لسانی فشار کی، ۵۶۴). لذا قرائت قرآن، نحسین و مهم ترین وسیله دعوت پیامبر اکرم در موسی هایی بود که با مردم ملاقات می کرد و آن ها را به اسلام دعوت می نمود. و کسانی که اسلام را می پذیرفتند ابتدا قرآن بر آن ها خوانده می شد و سپس خود به قرائت قرآن می پرداختند (غانم قدوری، ۵۶۵). ایشان در هر فرصتی یارانشان را فرا می خواند و به صورت دسته جمعی به قرائت و تلاوت قرآن می پرداخت و مطابق اصطلاحی که بعدها رایح گردید برای آنان حوزه قرائت تشکیل می داد (لسانی فشار کی، ۲۰). از ابن مسعود و ابی بن کعب نقل شده که می گفتند: از رسول خداده آیه را فرا می گرفتیم و پس از آن که نسبت به آن آیات از لحاظ علم و عمل آگاهی کسب می کردیم به فراغیری ده آیه بعد می پرداختیم (قرطبی، ۴۰/۱). این رویکرد پیامبر سبب شده بود اصحاب پیامبر به قرائت قرآن اهتمام جدی بورزند و در میان صحابه عده ای به عنوان قاری شهرت یافته بودند که قرائت قاریان قرآن که مردم از آن پیروی می کنند به آن ها باز می گردد. از میان آن ها هفت قاری یعنی علی بن ابیطالب، عثمان بن عفان، ابی بن کعب، زید بن ثابت، عبدالله بن مسعود، ابو الدّراء و ابو موسی اشعری پرآوازه بودند و قرائت آن ها مرجع به شمار می آمد (صادق رافعی، ۵۱). قرطبی روایتی از ابو جارد عطاردی آورده که می گوید: «ابو موسی اشعری ما را در مسجد بصره جمع می کرد و حلقه درس تشکیل می داد و قرآن را بر ما اقراء می کرد» (قرطبی، ۲۱/۱۱۸). با این برنامه ریزی تعداد بسیاری قاری و حافظ در جامعه اسلامی تربیت شدند. در خبر صحیح آمده که هفتاد نفر از قراء در عصر پیامبر در غزوه بئر

معونه شرکت داشتند(نک: زرکشی، ۱/۲۴۱؛ سیوطی، ۱/۲۴۰). این خبر نشان می دهد که پیامبر با ایجاد شبکه های اجتماعی، حفظ قرآن در جامعه دینی را به یک جریان فراگیر تبدیل کرده بود. اخباری در دست است که نشان می دهد از همان سال های نخستین بعثت، موج قرآن آموزی به مدینه هم رسیده بود. براء از اهالی مدینه نقل می کند که مصعب بن عمیر و عبدالله بن مكتوم به عنوان معلم قرآن بر ما وارد شدند. و در مورد ورود مصعب به مدینه آمده است که وی در دار القراء فرود آمد(زنجانی، ۴۰). از این رو می توان اطمینان حاصل کرد که قرائت قرآن حتی پیش از ورود مصعب در مدینه رواج داشته است. بعدها مسأله قرائت قرآن در مدینه چنان گسترش یافت که در میان انصار هفتاد نفر به نام قراء شناخته شده بودند که شب ها به اطراف مدینه می رفتد و به آموزش قرائت قرآن می پرداختند) (واقدی، ۲/۳۴۷). لقب «مقری» به کسانی اطلاق می شد که قرآن را برای دیگران قرائت می کردند و به آن ها آموزش می دادند. اولین کسی که به این لقب متصف شد مصعب بن عمیر است(ابن هشام، ۲/۷۶). این امر سبب شده بود مسلمانان همواره به تلاوت قرآن ایمان داشته و آن را از همان آغاز اسلام از بهترین اعمال به شمار بیاورند؛ به گونه ای که قاری قرآن در بسیاری از مظاهر زندگی اجتماعی بر دیگران مقدم می شد و پیوسته عده ای به عنوان قاری شهرت داشتند و سلسله قراء قرآن، قرن به قرن ادامه یافت (معرفت، ۱۸۱؛ غانم قدوری، ۵۶۷). اصولاً علاوه بر تأکید قرآن، شرایط اجتماعی عصر نزول هم ایجاب می کرد که محور تعلیم و آموزش قرآن، قرائت و حفظ باشد؛ چرا که از یک سو خط کوفی به دلیل نداشتن نقطه با اشکال های نگارشی همراه بود و از سوی دیگر عame مرمد بی سواد بودند. لذا بهترین راه برای ضبط قرآن، قرائت و حفظ به شمار می آمد و همین روش سنت متبوعه ای شد که برای عصرهای بعدی هم به یادگار ماند(طباطبایی، قرآن در اسلام، ۱۲۰). این است که مسلمانان قرائت قرآن را موهبت و کرامتی می دانند که خداوند به نوع بشر عطا کرده؛ زیرا در خبر وارد شده که این کرامت به فرشتگان عطا نشده و آن ها تشهی اند که آن را از زبان انسان ها استماع کنند(همو، المیزان، ۱/۳۳۵). از این رو مسلمانان حفظ قرآن را واجب کفایی می دانند و هدف این است که در نقل شفاهی قرآن عدد تواتر به هم نخورد و تغییر و تحریفی در قرآن واقع نشود(سیوطی، ۱/۳۲۳). بر همین اساس است که تعداد زیادی از صحابه تمام قرآن را حفظ کرده بودند که برخی از آن ها فرصت یافتند محفوظات خود را بر رسول اکرم عرضه نمایند(صحبی صالح، ۱۱۰). بنابراین تأکید نخستین آیات نازل شده بر امر قرائت، سبب شد حفظ و قرائت قرآن در نزد پیامبر و صحابه از جایگاه والایی برخوردار گردد. از این رو در میان تابعین و نسل های بعدی امر قرائت، محور تعلیم قرآن قرار گرفت و تا به امروز مسأله حفظ و قرائت قرآن و برگزاری مجالس قرائت به عنوان یک سنت حسنہ رواج دارد.

بودسی معنایی قرائت

«اقرأ»، فعل امر از مصدر قرائت است که به معنای جمع و گردآوری است (ابن منظور، ۱/۱۳۱؛ راغب، ۶۶۸). از این رو «قرأتُ الشيءَ قرآنًا» یعنی آن را گردآوری کردم و بخشی از آن را به بخش دیگر منضم نمودم (جوهری، ۱/۶۴). القارئ به معنای الحامل یعنی حمل کننده نیز آمده است (فراهیدی، ۵/۲۰۵). شاعر گوید: هجان اللون لم تقرأ جنيناً یعنی جنینی حمل نکرده است (ابن منظور، ۱/۱۲۸). و گفته می شود: قرأتِ المرأة قراءً (فراهیدی، ۵/۲۰۴؛ ابن منظور، ۱/۱۳۱).

آن چه در باره معنای قرائت آمد در محدوده معنا شناسی وضع نخستین این واژه می گنجد؛ اما این واژه بر اثر کاربردهای حقیقی و مجازی، در محدوده معنای اصلی و اولیه خود باقی نمانده و در گذر زمان از گستره معنایی وسیع تری برخوردار شده است. از این رو قرائت را در معنای خواندن متن مکتوب گسترش داده اند؛ به این دلیل که خواننده حروف و کلمات را به یکدیگر منضم می کند و آن ها را با هم جمع می کند (راغب، ۶۶۸). اعراب پس از آشنایی با این واژه آرامی آن را در معنای تلاوت به کار گرفتند (صبحی صالح، ۳۵). از این رو «قرأتُ القرآن» یعنی الفاظ آن را با هم جمع کردم و حروف و کلمات آن را به صورت آشکار و واضح ادا نمودم. بر اساس همین معناست که گفته اند دلیل نام گذاری وحی پیامبر اسلام به قرآن این است که سوره های آن گردآوری شده و به هم پیوست گردیده است. برخی دیگر وجه تسمیه قرآن را این دانسته اند که تمام فرآورده های کتب آسمانی پیشین در آن گرد آمده است و یا گروهی دیگر گفته اند به این دلیل قرآن نامیده شده که داستان ها و اوامر و نواهی و وعد و وعید و آیات و سور در آن جمع شده است (جوهری، ۱/۶۴؛ طریحی، ۱/۳۳۷؛ صبحی صالح، ۳۴).

در فرایند توسعه معنایی این واژه، مفهوم شهود و علم را هم گستره معنایی آن جای گرفته و به شاهدی که از آگاهی و علم نسبت به آن چه شهادت می دهد برخوردار باشد قاری گفته اند (ابن فارس، ۸۸۴). همین طور به شخص متنسک و زاهد قراء گفته اند که جمع آن قراؤون است (جوهری، ۱/۶۴). لذا تقرأً را به معنای تنسک گرفته اند و «قرأتُ» یعنی صرتُ قارئًا ناسِكًا (ابن منظور، ۱/۱۳۰). قراء گفته است که ابو صدقه دیر برايم چنین سرود: بیضاء تصطاد الغوی و تستبی بالحسن قلب المسلم القراء که «المسلم القراء» به معنای مسلمان متنسک آورده است (جوهری، ۱/۶۵). و بر پایه همین معنای ثانویه و گسترش یافته است که قرائت را در معنای فهم و ضبط معانی مکتوب با بصر گسترش داده اند؛ و منظور از بصر اعم از قوه محسوس و بصیرت باطنی است. لذا گفته اند در قرائت باید خصوصیت فهم و ضبط حاصل شود و گرن به صرف توجه قلبی یا بصری یا سایر حواس به مفاهیم و معانی، قرائت گفته نمی شود. و به همین مناسب است که به تفقه، مجازاً قرائت گفته شده است (مصطفوی، ۹/۲۲۰). و از همین منظر است که قراءه الکف را به معنای کف بینی گرفته اند که با آگاهی و علم نسبت به حقایق همراه است. هم چنین قرائت را

از بر خواندن، تلاوت، خوانش مبتنی بر مراعات اصول و قواعد تجویدی، خواندن فصیح، مطالعه و تحقیق معنا می‌کنند (هانس ور، ۵۳۵).

این گستردگی معنا که برای واژه قرائت یافت شد حاکی از این است که فرمان اقرأ، به مطلق خواندن محدود نمی‌شود و در حقیقت، هم شامل جمع کردن حروف و کلمات برای تلفظ و خواندن می‌شود و هم مطالعه را در بر می‌گیرد (طباطبایی، ۷۴۷/۲۰). ملاحظه می‌شود که فرمان نخستین خداوند به پیامبر یعنی «اقرأ»، فرمانی وسیع المعنی است که به خواندن متن قرآن محدود نمی‌شود؛ بلکه ایشان با فرمان جدیدی برای انجام فعالیتی گسترده مواجه است که خواندن آشکار و واضح متن، تنها دروازه ورود به تحقق این فرمان به شمار می‌آید؛ و خوانش او می‌باشد با مفاهیم متعدد و معنا داری همچون «علم و معرفت، شهود، تدبیر، تعمق، شهادت، تنسک، فصاحت و بلاغت، کشف حقیقت، مطالعه و گردآوری درست یعنی بدون کاهش یا افزایش» همراه باشد. با این توصیف فرمان الهی در امر قرائت، حکایت گر اساسی ترین رویکرد جدیدی است که با هم نشینی دیگر مؤلفه‌های اصلی نخستین آیات وحی یعنی مفاهیم «رب، کرامت، خلقت، انسان، تعلیم و قلم»، مجموعه‌ای در هم تنیده از دستگاه فکری و نظام عملی شریعت اسلام را به نمایش می‌گذارد و نشان می‌دهد که شریعت تازه، در جهت ایجاد نظامی فرهنگ واره و سیستمی دانش محور تلاش خواهد کرد. و البته در این نظام تربیتی، مسئله قرائت، نقش محوری و مرکزی ایفا می‌کند. و هم جواری فرمان «اقرأ» با تعبیر «اسم رب»؛ حاکی از این است که جهت گیری اساسی این ماموریت جدید، تشکیل جامعه‌ای توحید محور است. در این هم جواری، از صفت رب استفاده شده که جز به خداوند اطلاق نمی‌شود و در اصل، انشاء چیزی و حال به حال کردن آن تا حد تمام است (راغب، ۱۸۹) و مالک، کنترل کننده، سرپرست، پرورش دهنده و مسلط بر مربوب خویش است (هانس ور، ۲۲۳)، این صفت، عنوانی جامع از اراده و قدرت و علم است که همه آثار و صفات و نمودارهای هستی از آن آغاز شده و به آن منتهی می‌شود. به همین دلیل این ارتباط منحصر به فرد و محبت آمیز آسمانی که برای پیامبر صلی الله علیه و آله حاصل شد، مسیر تازه‌ای از علم و معرفت را به روی او گشود. لذا قرائت در این آیه مبتنی بر علم و دانشی است که از طریق شهود صفات رب، حقایق و اسرار پدیده‌ها و نظم و منشأ و منتهای جهان و حرکت تکاملی آن، نمود می‌شود (طلالقانی، ۲۷۷/۴). و این فرمان که به نوعی خارج کردن پیامبر از فضای امیت و درس ناخواندگی است، وی را در محیط تازه‌ای قرار می‌دهد تا با قرائت یعنی خواندن، تدبیر، تعمق، کشف شگفتی‌ها و عجایب هستی و مطالعه اسرار آفرینش و آگاهی از مضامین کتاب تدوین و تعلیم، مسولیت سنگین خود را آغاز نماید (نحوانی، ۵۱۹/۲). و در ارتباطی وحیانی به ملاطفه متصل شود و دعوتی فراگیر و جهانی را با مهوریت عمل به قرآن که کتاب خواندن و تدبیر و تأمل است آغاز نماید (سید قطب، ۳۹۳۸/۶). آن چه آمد این مهم را به دست می‌دهد که قرائت قرآن با خواندن آغاز می‌شود اما به همان تمام نمی‌شود. بلکه با فهم عبارت، تدبیر در آن، و عمل به مضمون آیه کامل می‌شود.

ظرف قرائت

واژه اِقرأ فعل امر متعدد است که مفعول^۱ به می طلبد. لذا محققان پیرامون این مسأله یعنی ظرف قرائت تحقیق کرده اند. عده‌ای باء در «باسم رَبِّک» را حرف جر زائد دانسته اند در نتیجه واژه اسم، مفعول^۲ به و ظرف قرائت به شمار آورده اند(نک: فخر رازی، ۲۱۵/۳۲؛ لاهیجی، ۴/۸۲۳؛ دعاش، ۴۵۷/۳؛ درویش، ۸/۳۶۱). شیخ طبرسی بر درستی این رأی تأکید می ورزد و این آیه را با آیه «سَبَّعَ اسْمَ رَبِّكَ الْأَعْلَى»، در اعراب گذاری همسان می دارد(طبرسی، ۱۷۸/۳۷)؛ اما برخی دیگر این وجه اعرابی را نمی پسندند و مفعول^۳ به را محدود گرفته اند(نک: صافی، ۳۶۴/۳۰؛ یضاوی، ۳۲۵/۵). علامه طباطبایی که جزء این گروه به شمار است تأکید می کند که تقدیر کلام «اقرأ القرآن» است و یا چیزی که گویای این معنا باشد(طباطبایی، ۷۷۵/۴؛ نحاس، ۱۶۲/۵). در این تحلیل اعرابی تعبیر «اقرأ ما أَنْزَلَ اللَّهُ مُفْتَحًا بِاسْمِ رَبِّک» مقدّر است(زمخشري، ۷۴۷/۲۰). بر اساس تحلیل اخیر ظرف مطالعه پیامبر اسلام، کتاب تدوین است؛ یعنی خداوند به پیامبر اسلام فرمان می دهد که با استعانت از اسم رب^۴ به قرائت قرآن پردازد. اما طبق گرایش طبرسی ظرف قرائت و بستر مطالعه پیامبر اسلام اسم رب^۵ است. اسم یا از سُمُّوَ اخذ شده که در این صورت والا، بلند، بر فراز و ارجمند معنی می شود(ابن منظور، ۳۹۷/۱۴) و یا از ریشه وسم گرفته شده که بر اثر و نشانه علامت دارد(ابن فارس، ۱۰۹۱). در نتیجه چنان چه این قول پذیرفته شود، کل هستی به عنوان اثر و نشانه خداوند، اسم رب^۶ است که ظرف قرائت پیامبر به شمار می آید. این توجیه اعرابی با لایه های مختلف معنایی که برای واژه قرائت آورده شد و همین طور با رهنمودهای مدیریتی هم خوانی دارد و توجیه گرفایند مسولیت رسالت و هدایت نبوی و گستره وسیع آن خواهد بود. گویا لازم است پیامبر در آغاز رسالت با حوزه سازمانی خود آشنا شود و معرفت و شناختی دقیق از گستره مدیریتی خود که جهان هستی است به دست آورد. لذا فرمان سیر و سلوک پیامبر و مطالعه شهودی در عالم خلقت صادر می شود(نقی پور فر، ۱۳۰۰). بنابر این در این شیوه اعراب گذاری، قرائت از نوع خواندن متن نیست بلکه از نوع مطالعه شهودی است. به این معنا که خداوند، پیامبر خود را طی^۷ یک جریان شهودی در عالم خلقت و ملکوت هستی سیر می دهد تا با حقیقت حوزه سارمانی فعالیت و مدیریت جدید خود آشنا شود و حقیقت آفاق و انفس و ملکوت هستی را مشاهده کند و در آن سیر نماید. بر این اساس، دو آیه «اقرأ باسمَ رَبِّكَ الَّذِي خَلَقَ» و «سَبَّعَ اسْمَ رَبِّكَ الْأَعْلَى» در حیطه معنایی مشترک و متناظری جای می گیرند(طبرسی، ۱۷۸/۳۷). دلیل توجه دادن این دو آیه به قرائت و تسبیح اسم این است که در حقیقت انسان از طریق اسم به مسمی راه می یابد؛ یعنی ابتدا با الفاظ مانوس می گردد، و از طریق لفظ به معنی بی می برد و از معنی و مفهوم الفاظ راهی به سوی معرفت حقیقی پیدا می کند(امین اصفهانی، ۱۹۲/۱۵).

متعددی بودن فعل امر «اقرأ» در نخستین آیه تنزیلی، و فضا سازی برای تفحص و جستجو در مفعول^۸ به آن، ما را به این فهم رهنمون می سازد که بتوانیم هر دو برداشت تفسیری که یکی علامه طباطبایی و دیگری شیخ طبرسی شاخص

تبیین آن بودند را با هم جمع کنیم. حاصل جمع این دو برداشت تفسیری از آیه آن است که ظرف قرائت پیامبر اسلام کتاب تدوین و کتاب تکوین است. جای دادن کتاب تکوین در جوار کتاب تدوین به عنوان ظرف قرائت پیامبر، با بیان قرآن در باره چگونگی نزول وحی بر پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله، که محل و مهبط آن را قلب ایشان معرفی می کند هم خوانی دارد: «نَزَّلَ بِهِ الرُّوحُ الْأَمِينُ * عَلَى قَلْبِكَ لَتَكُونَ مِنَ الْمُنذَرِينَ» (الشعراء، ۱۹۳ و ۱۹۴). چنان که نقل است که وقتی از پیامبر(ص) در باره چگونگی وحی سوال شد در جواب گفت: وحی آن است که خداوند بر پیامبرش می فرستد و در قلب او ثابت می ماند؛ پس با آن تکلم می کند و آن کلام الله است(سیوطی، ۱/۱۶۵). از این رو می توان ظرف قرائت را هر دو کتاب تدوین و کتاب تکوین که مخلوق آفریدگار هستی اند در نظر گرفت. در این صورت فرمان قرائت در دو معنا قابل توسعه است: قرائت کتاب تدوین همراه با تدبیر، فهم و عمل به؛ و مطالعه و سیر در کتاب تکوین.

چگونگی قرائت پیامبر و بایسته های قرائت مسلمانان

پیامبر اسلام نخستین قاری قرآن به شمار می آید که شیوه درست قرائت را مراعات نموده و طبق دستور خداوند آن را برای دیگران قرائت و تلاوت می کرد(الاسراء، ۱۰۶). قرآن به پیامبر یادآوری می کند که خداوند قرآن را ترتیل می نماید: «وَقَالَ الَّذِينَ كَفَرُوا أَلَوْلَا نُزِّلَ عَلَيْهِ الْقُرْآنُ جُمْلَةً وَاحِدَةً كَذَلِكَ لَتُشَبَّهَ بِهِ فُؤَادُكُ وَرَكْنَاهُ تَرْتِيلًا» (الفرقان، ۳۲). و از میان انسان ها، اختصاصاً به ایشان توصیه می کند که قرآن را ترتیل نماید: «وَرَكِلُ الْقُرْآنَ تَرْتِيلًا» (المزمول، ۳). گفته اند: قرآن را ترتیل کن یعنی آن را با وضوح و هویدا بخوان و حروف و کلمات را به خوبی جمع کن (طبری، ۲۹/۸۰). چرا که ترتیل آن است که متن با تائی خوانده شود و ترکیب حروف و واژگان با یکدیگر به خوبی صورت پذیرد(فراهیدی، ۱۱۳/۸). و کمال ترتیل در واضح خواندن متن همراه با تدبیر و تفکر در آیات است(زرکشی، ۱/۴۴۹). راغب رتل را در معنی جمع کردن چیزی و نظام بخشیدن به آن بر پایه استقامت آورده و می گوید: به شخصی که دندان هایش مرتب و محکم باشد می گویند: رتل الاسنان؛ و در گفتار ادای کلمه به سهولت و استقامت را ترتیل گویند(راغب، ۳۴۱). قرطی در باره این دستور اختصاصی خداوند به پیامبر می گوید: یعنی قرآن را با شتاب مخوان؛ بلکه با تائی و همراه با تدبیر بخوان(قرطی، ۲۰/۳۷). ملا حویش می گوید: یعنی در ادا کردن به لذت فضیح بخوان و در آن به گونه ای تفکر کن که با معانیش حضور قلب حاصل شود و با مبانی اش نفس به لذت معنوی برسد(ملا حویش، ۱/۹۱). ملاحظه می شود که مأموریت پیامبر، ترتیل قرآن است که به معنای خواندن همراه با با تائی و تدبیر و دقّت، و درست ادا کردن حروف و کلمات آن دانسته اند. گزارش هایی که از نوع قرائت پیامبر رسیده این امر را تأیید می کند. این گزارش ها حاکی از آن است که ایشان در پرداختن به امر قرائت قرآن، تنها به خواندن متن آیات و سوره ها اکتفا نمی کرد بلکه تدبیر، تأثیر پذیری و عمل به آیات هم در محدوده قرائت پیامبر جای می گرفت. روایتی از حذیفه رسیده که می گوید: شبی با پیامبر نماز گزاردم. به سوره البقره آغاز کرد و آن را

خواندن سپس سوره نساء و آل عمران را خواند. ایشان آیات را با تأثیر می خواند و هرگاه به آیه ای می رسید که در آن تسبیح بود، تسبیح می گفت و اگر در آیه ای دعا بود، دعا می کرد و در هر آیه ای پناه بردن به خدا بود، به خدا پناه می برد (سیوطی، ۳۴۶ / ۱). بر همین اساس زركشی معتقد است خداوند با فرمان «اقرأ» به پیامبر اسلام، دستور خواندن صرف قرآن نداده است بلکه به ایشان امر کرده تا قرآن را به روش ترتیل قرائت کند. وی نتیجه می گیرد که شایسته است مسلمانان هم از ایشان تعیت کنند و قرآن را با همین روش قرائت کنند. وی کمال ترتیل را در این می داند که قاری الفاظ را واضح و حروف را روشن بخواند و در خواندن آیات فصیح خوانی پیشه کند و در هر آیه ای تدبیر نماید و بین نفس قبلی با نفس بعدی مکث نماید تا نفسش برآید و حروف را در هم دیگر پنهان نسازد. و در هنگام خواندن قلبش را در معنای عبارت ها مشغول دارد و تا زمانی که معنای آیه ای را درک نکرده از آن نگذرد. وی یادآوری می کند که خواندن قرآن بدون تدبیر مکروه است و پیامبر در توصیف خارجان از دین می فرماید: قرآن را می خوانند در حالی که از حنجره ها و گلوهایشان تجاوز نمی کند (زرکشی، ۴۵۵ / ۱). سخنی از امام علی عليه السلام در دست است که لزوم تأسی مورد تأکید زركشی را تأیید می کند؛ چرا که روش ترتیل خوانی را به مخاطبان خود آموختش می دهد. ایشان ترتیل خوانی را قرائت همراه با وضوح معنی می کند و می فرماید: آن را واضح قرائت کنید و همانند شعر آن را سریع مخوانید و کلمات آن را شتاب زده پراکنده مسازید، بلکه دل های سختان را هنگام خواندن آن ترسان کنید (میبدی، ۲۶۶ / ۱۰). از ابن عباس نقل شده که در باره آیه «انْ عَلِيْنَا جَمْعُهُ وَ قَرَآنَهُ * فَادْعُوْهُ فَاتَّبِعْ قَرَآنَهُ» گفت: تعیت از قرآن آن، یعنی هنگامی که آن را گرد آوردم و در سینه ات ثبیت کردیم به آن عمل کن (راغب، ۶۶۸). قرآن کریم مسلمانان را هم مانند پیامبر مخاطب قرار داده و بر قرائت مستمر قرآن تأکید می کند و می فرماید: «فَاقْرُوْوا مَا تَيَسَّرَ مِنَ الْقَرَآنِ» تا می توانید قرآن بخوانید (المزمول، ۲۰). برخی گفته اند فرمان اقرأ در آغاز سوره علق امر به قرائت قرآن برای خود پیامبر و تکرار آن در آیه سوم این سوره امر به تبلیغ است تا قرائت را به دیگران بیاموزد (طبرسی، ۳۵۶ / ۱۰).

بر اساس آنچه از لایه های معنایی قرآن آوردم و با در نظر گرفتن روش پیامبر اسلام در قرائت قرآن، باید گفت: قرائت قرآن عملی چند لایه ای و چند حیطه ای است که قاری می بایست برای پرداختن به تلاوت آیات به همه این لایه های معنایی توجه کند تا بتواند به قرائت اثر بخش بپردازد. قرائتی که به مسلمانان توصیه شده به معنای تلاشی علمی و ارتباط محور است که حاصل آن دستیابی به نوعی اشراق درونی و بصیرت باطنی است که از شعاع خورشید تغذیه می شود و قاری را با چهره هایی از حقیقت آشنا می سازد و فراتر از ادراک حسی است (اقبال لاهوری، ۲۰). از این رو قاری باید به گستره ای از شرایط و ضوابط قرائت درست بیندیشد که سه مقطع زمانی قبل، حین و بعد از خواندن را در بر می گیرد. علاوه بر آن در حوزه شخصیتی، چهار محور حس، قلب، گفتار و رفتار قاری را شامل می شود؛ چرا که قرائت در این فرایند معنا دار به منزله تلاش، مطالعه و جستجوی قاری است برای

دستیابی به گوهر قرآن تا از آن اذواق و مواجهید بهره مند گردد. در چنین فرایندی، معارف قرآن همچون گوهری است که در درون صدف الفاظ و عبارت‌های عربی جای گرفته است که تلاش قاری از نزدیکی و هم نشینی با صدف ظاهری آغاز می‌شود و با ارتقا به لایه‌های درونی آن ادامه می‌یابد؛ با این هدف که به گوهر درونی صدف یعنی حقایق قرآن دست یابد. صدف قرآن که همان رویه بیرونی و خارجی آن است عبارت است از صامت‌ها و مصوّت‌هایی که متولی آن علم تصحیح مخارج حروف در ادا و تصویت است. اما لایه‌های زیرین قرائت، معرفت و شناخت خداوند و رسیدن به مقام توحید است (غزالی، ۵۹).

مالحظه می‌شود که قرائت قرآن از سطح روین آن یعنی خواندن آغاز می‌شود و تا معرفت به خداوند تداوم می‌یابد. از این رو امام علی علیه السلام زیبایی‌های معنوی قرآن را تا عمق اقیانوس وارد آیات دنبال می‌کند و می‌فرماید: «أَنَّ الْقُرْآنَ ظَاهِرٌ أَنِيقٌ وَ بَاطِنٌ عَمِيقٌ وَ لَا تَفْنِي عَجَابَهُ وَ لَا تَنْقَضِي غَرَائِبَهُ» براستی که قرآن ظاهرش بسیار زیبا و باطن آن بسیار عمیق می‌باشد. شگفتی هایش تمام نمی‌شود و ناشناخته هایش پایانی ندارد» (سید رضی، خطبه ۱۸). نتیجه چنین نگاهی به سطوح معنایی و زیبایی قرآن این است که قرائت قرآن با هدف بهره مندی از اعماق آن، اندیشه‌ای متدبّر و غوّاص می‌طلبد و روحی تشنّه و جستجو گر می‌خواهد تا با قرائت نیکوی آیات به درّهایی از این اقیانوس بی‌کران دست یابد (نقی پور فر، ۴۳۶). و شایسته است که قلب در هنگام قرائت، در معنای واژگانی که تلفظ می‌کند به تفکر مشغول شود و آنگاه که به آیه رحمت می‌رسد در آن تأمل کند و به وعده‌هایی که خداوند داده است بیندیشد و نشاط یابد و نعمت‌های بهشتی را از خداوند طلب کند و چون آیه عذاب قرائت می‌کند در آن توقف کند و در معنایش تأمل نماید و از خداوند درخواست کند که او را از عذاب در امان بدارد (زرکشی، ۱/۴۵۰). با تکیه بر همین بایسته‌های قرائت است که مسلمانان تدبّر و اندیشیدن در آیات در هنگام قرائت را سنت دانسته‌اند (سیوطی، ۱/۳۴۵). و یکی دیگر از سنت‌های قرائت، تعویذ به شمار می‌آید (همان، ۳۴۲).

نتایج مقاله

در فرایند نزول متن آسمانی قرآن بر پیامبر اسلام(ص) نخستین واژه‌ای که به عنوان فرمان اصلی و اساسی در تحقیق این بعثت بر پیامبر صلی الله علیه و آله نازل شد فعل امر «أَقْرَأَ» بود که حاکی از جایگاه و اهمیت نقش قرائت در دریافت و ابلاغ رسالت الهی است. این واژه در حیطه معنا شناختی، در بر دارنده معانی متعددی مانند «خواندن، تدبیر، تفکر، شهود مبتنی بر علم و آگاهی، وضوح در خواندن، رعایت اصول تجوید، جمع آوری، مطالعه و پژوهش» است؛ که از یک سو حاکی از مسؤولیت سنگین پیامبر صلی الله علیه و آله است و از سوی دیگر بیان گر رویکرد جدیدی است که دین اسلام برای هدایت جوامع بشری در پیش خواهد گرفت. به همین لحاظ در پنج آیه نخستین سوره علق که بر پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله نازل شد، این واژه محوری و کلیدی با مفاهیم اثر گذار دیگری مانند «اسم رب، خلقت، تعلیم، قلم و انسان» در هم می آمیزد که مجموعه‌ای در هم تنیده را تشکیل می‌دهند و نشان می‌دهد از یک سو پرداختن به قرآن در شریعت اسلام حائز اهمیت است و از دیگر سوی، علم و دانش در فرایند سازمان دهی جامعه اسلامی نقش بسزایی خواهد داشت. از اینجا می‌توان به مسؤولیت خطیر مسلمانان در معنا گذاری نوینی برای قرائت قرآن پی برد؛ به این معنا که لازم است به گونه‌ای قرائت قرآن تعریف شود که تفکر و تدبیر در آیات و دستیابی به حقایق قرآنی از طریق مطالعه هدفمند، محور خوانش آن‌ها قرار گیرد و بتوانند با ورود به لایه‌های مختلف معنایی آیات قرآن به عنوان دستور العمل زندگی، شیوه درست زیستن را از طریق قرائت قرآن کشف کنند.

كتابشناسي

- ١- قرآن کریم
- ٢- ابن اثیر، عبدالکریم بن عبدالوهاب، **الکامل فی التاریخ**، بیروت: دار صادر، ۱۳۸۵ق
- ٣- ابن فارس، احمد، **معجم المقایيس فی اللغة**، چاپ دوم، بیروت: دار الفکر، ۱۴۱۸ق
- ٤- ابن خلدون، عبدالرحمن بن محمد، مقدمه ابن خلدون بیروت: دار احیاء التراث العربی، ۱۴۰۸ق
- ٥- ابن منظور، محمد بن مکرم، **لسان العرب**، بیروت: دار صادر، ۱۴۱۸ق
- ٦- ابن هشام، **السیرة النبویة**، تحقیق ابراهیم الایاری و دیگران، مصر: مطبعة مصطفی البانی الحلبی، ۱۹۳۶م
- ٧- ابو زید، نصر حامد، معنای متن، ترجمه مرتضی کریمی نیا، چاپ سوم، تهران: انتشارات طرح نو، ۱۳۸۲
- ٨- اقبال لاهوری، محمد، احیای فکر دینی در اسلام، ترجمه احمد آرام، تهران: رسالت قلم، بی تا
- ٩- ائیس، ابراهیم، **المعجم الوسيط**، تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۷۴
- ١٠- بانوی اصفهانی، سیده امین، **مخزن العرفان در تفسیر قرآن**، تهران: نهضت زنان مسلمان، ۱۳۶۱
- ١١- بیضاوی، عبدالله بن عمر، **انوار التنزیل و اسرار التأویل**، بیروت: دار احیاء التراث العربی، ۱۴۱۸ق
- ١٢- جوهری، اسماعیل بن حماد، **الصحاح**، تهران: انتشارات امیری، ۱۳۶۸
- ١٣- الدرویش، محیی الدین، **اعراب القرآن**، دمشق: دار ابن کثیر، ۱۴۲۲ق
- ١٤- زرکشی، بدرالدین محمد بن عبدالله، **البرهان فی علوم القرآن**، بیروت، منشورات المکتبه العصریه، ۱۳۹۱
- ١٥- زمخشri، محمود، **الکشاف عن حقائق غوامض التنزیل و...**، بیروت: دار الكتاب العربي، ۱۴۰۷ق
- ١٦- زنجانی، ابو عبدالله، **تاریخ القرآن**، چاپ دوم، بیروت: مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، ۱۳۸۸
- ١٧- سید رضی، **نهج البلاغه** «مجموعه سخنان امیر المؤمنین»، قم: نشر امام علی، ۱۳۶۹ش
- ١٨- سید قطب، **فی ظلال القرآن**، بیروت: دارالشرونق، ۱۴۱۵ق
- ١٩- سیوطی، جلال الدین، **الاتقان فی علوم القرآن**، تهران: انتشارات امیر کبیر، ۱۳۶۳ش
- ٢٠- صادق رافعی، مصطفی، **اعجاز قرآن و بلغت محمد**، ترجمه عبدالحسین ابن الدین، تهران: بنیاد قرآن، ۱۳۶۱
- ٢١- صافی، محمود بن عبدالرحیم، **الجدول فی اعراب القرآن**، بیروت: دار الرشید، ۱۴۱۸ق
- ٢٢- طباطبایی، سید محمد حسین، **المیزان فی تفسیر القرآن**، چاپ دوم، قم: بنیاد علمی علامه طباطبایی، ۱۳۶۳
- ٢٣- همو، **قرآن در اسلام**، تهران: دار الكتب الاسلامیه، ۱۳۷۶
- ٢٤- طبرسی، فضل بن حسن، **معجم البيان فی تفسیر القرآن**، بیروت: دار الفکر، ۱۴۱۴ق

- ٢٥- طوسی، محمدبن حسن، التبیان فی تفسیر القرآن، دار احیاء التراث العربی، بیروت، بی تا
 ٢٦- غانم قدّوری، الحمد، رسم الخط مصحف، ترجمه یعقوب جعفری، قم، انتشارات اسوه، ۱۳۸۳ش
- ٢٧- غزالی، محمد، جواهر القرآن، ارومیه: موسسه انتشارات حسینی اصل، ۱۳۸۹ش
- ٢٨- فخر رازی، محمد بن عمر، مفاتیح الغیب، بیروت: دار احیاء التراث العربی، ۱۴۲۰ق
- ٢٩- فراهیدی، خلیل بن احمد، العین؛ قم: انتشارات هجرت، ۱۴۱۰ق
- ٣٠- فضلی، عبدالهادی، مقدمه ای بر تاریخ قراءات قرآن کریم، ترجمه محمد باقر حجتی، قم: انتشارات اسوه، ۱۳۶۵ش
- ٣١- قرطبی، محمد بن احمد، الجامع لاحکام القرآن، تهران، انتشارات ناصر خسرو، ۱۳۶۴ش
- ٣٢- کمالی دزفولی، علی، شناخت قرآن، قم: انتشارات اسوه، ۱۳۷۰ش
- ٣٣- لاھیجی، محمد بن علی، تفسیر شریف، تهران: دفتر نشر راد، ۱۳۷۳ش
- ٣٤- لسانی فشارکی، محمد علی، قراء سبعه و قراتات سبع، قم: انتشارات اسوه، ۱۳۹۱ش
- ٣٥- مسعودی، علی بن حسین، مروج الذهب و معادن الجوهر، ترجمه ابوالقاسم پاینده، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۷۸ش
- ٣٦- معرفت، محمد هادی(۱)، علوم قرآنی، قم: موسسه فرهنگی انتشاراتی التمهید، ۱۳۷۸ش
- ٣٧- قلی پور، ولی الله، تدبیر در قرآن، قم: انتشارات اسوه، ۱۳۷۴ش
- ٣٨- ملا حویش آل غازی، عبدالقدار، بیان المعانی، مطبعه الترقی، دمشق: ۱۳۸۲ش
- ٣٩- میدی، ابوالفضل، کشف الاسرار و عده الابرار، انتشارات امیر کبیر، تهران: ۱۳۷۱ش
- ٤٠- نخجوانی، نعمت الله بن محمودی، الفوائح الالهیه و المفاتیح الغیبیه، مصر: دار رکابی للنشر، ۱۹۹۹
- ٤١- نوبری، شهاب الدین احمد، نهاية الارب فی فنون الادب، ترجمه مهدی دامغانی، تهران: انتشارات امیر کبیر، ۱۳۶۴ش
- ٤٢- واقدی، محمد بن عمر، ترجمه محمود مهدوی دامغانی، تهران: مرکز نشر دانشگاهی، ۱۳۶۶ش
- ٤٣- هانس ور، فرهنگ معاصر عربی فارسی ، مترجم: آذرتاش آذر نوش، چاپ چهارم، تهران: نشر نی، ۱۳۸۳ش
- ٤٤- هولت، پی. ام، تاریخ اسلام، ترجمه احمد آرام، تهران: انتشارات امیر کبیر، ۱۳۸۶ش
- ٤٥- یعقوبی، ابن واضح، تاریخ یعقوبی، ترجمه ابراهیم آیتی، چاپ پنجم، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۶۶ش